





دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

آداب و رسوم و باورهای عامیانه در مثنوی مولوی

استاد راهنما:

دکتر علی رضا نبی لو

استاد مشاور:

دکتر محمد رضا موحدی

نگارنده:

مجید جعفری

تابستان ۱۳۹۰

ب

تقدیم به: «روان پاک شهدا»

و

«پدر و مادر عزیزم»

و

«همسر صبور و فداکارم»

تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس خداوند را که توفیق کسب و دانش و معرفت را به ما عطا فرمود؛ در اینجا بر خود لازم و شایسته می دانم که از تمامی اساتید بزرگوار که در دو دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد مرا در تحصیل علم و معرفت و فضایل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر به عمل آورم.

در ضمن از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر نبی لو که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق و نگارش پایان نامه تقبل نموده اند.

همچنین از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد رضا موحدی که مشاوره این تحقیق را به عهده داشته اند نهایت تشکر و سپاسگزاری می کنم.

چکیده:

این پژوهش در ۲۰ فصل در موضوعات مختلف از قبیل: پزشکی، نجوم، موسیقی، مشاغل، مراسم عروسی و عزاداری و میهمانی‌ها و جشن‌ها، ورزش‌ها و سرگرمی‌ها، علوم غریبه، باورهای مربوط به حیوانات، ضرب المثل‌ها، مباحث زنان و کودکان، خوراک، پوشاک، مسکن و معماری، ابزار زندگی و ابزار جنگ، سنگ‌ها و باورهای عامیانه متفرقه و آداب و رسوم اجتماعی را در مثنوی کاوش قرار داده است و با تفکیک و تقسیم بندی و با توجه به موضوع هرکدام از ابیات و ارجاع دادن به منابع مربوط به آن بخش به توضیح و تحلیل موضوعات مورد بحث پرداخته شده است.

کنکاش در آداب و رسوم و باورهای عامیانه در مثنوی اولاً می‌تواند در شناساندن جامعه قرن هفتم به ما کمک شایانی کند و در روشن شدن مباحث جامعه‌شناسی، اسطوره‌ای و مسائل تاریخی زمان شاعر و فهم عمیق تر مثنوی و حل بعضی از ابیات مشکل آن یاری مان کند.

بررسی آداب و رسوم و باورهای عامیانه بیانگر مشابهت فرهنگ کنونی بشر با فرهنگ کهن اوست. بررسی فرهنگ مردم در مثنوی، این نکته را بر خواننده روشن می‌سازد که پیوستگی بسیار پرمعنایی بین آنچه بشر امروزی به آنها پایبند است با آنچه در مثنوی آمده، وجود دارد.

در قرن هفتم تا حدودی هنوز نمی‌توان بین باورهای عامیانه و اندیشه‌های عالمانه مرزی مطلق مشخص کرد و به دلیل پایین بودن سطح فکری مردم آن زمان، باورهای عامیانه در زندگی مردم نقش بسزایی داشت و این موضوع با همه ابعاد آن در مثنوی انعکاس داده شده است.

در مثنوی مردم و اجتماع بیشترین سهم را در خلق حکایت‌ها و اشعار مثنوی دارد و مثنوی آینه‌ای از زندگی مردم زمان شاعر را نشان می‌دهد.

بیشترین بازتاب باورهای عامیانه و آداب و رسوم در مثنوی در موضوعاتی از قبیل: پزشکی، نجوم و احکام نجومی، علوم غریبه و موجودات وهمی، باورهای مربوط به حیوانات، مراسم عروسی و عزاداری، ورزش‌ها و سرگرمی‌ها و خوراک و مشاغل دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: مثنوی، مولوی، آداب و رسوم، باورهای عامیانه، فرهنگ عامه

فهرست مطالب

صفحه

مقدمه	۱
تعریف و تبیین مسأله	۱
سوال های تحقیق:	۲
فرضیه ها:	۲
هدف ها و کاربرد های موردانتظار از انجام تحقیق:	۲
ضرورت و انجام تحقیق:	۲
سابقه و پیشینه تحقیق:	۲
فصل اول: «کلیات»	۳
۱.۱- کارکردهای فرهنگ عامه:	۵
۲.۱- جایگاه فرهنگ عامه در ادبیات فارسی:	۵
۳.۱- فرهنگ عامه و آداب و رسوم در اشعار مولوی:	۵
فصل دوم: «آداب مجالس عروسی، عزاداری، مهمانی، اعیاد در مثنوی»	۹
۱.۲- آداب مجالس عروسی و خواستگاری:	۹
۲.۲- آداب سوگواری و عزاداری	۱۴
۳.۲- آداب میهمانی و مراسم و اعیاد	۱۷
۴.۲- نتیجه گیری:	۲۱
فصل سوم: خوراک و انواع غذاها در مثنوی	۲۲
۱.۳- کلیات	۲۲
۲.۳- انواع نان در مثنوی	۲۵
۳.۳- انواع آش و غذاهای دیگر:	۲۷
۴.۳- شیرینی جات:	۳۰
۵.۳- میوه ها:	۳۱
۶.۳- تنقلات و خوراکی های متفرقه:	۳۲
۷.۳- نتیجه گیری	۳۳
فصل چهارم: «پوشاک و انواع پارچه در مثنوی مولوی»	۳۴
۱.۴- کلیات	۳۴

۳۵	۲.۴- لباس و پوشاک در مثنوی:
۳۵	۳.۴- انواع لباس‌ها در مثنوی:
۴۱	۴.۴- انواع پارچه:
۴۳	۵.۴- نتیجه‌گیری
۴۴	فصل پنجم: «مشاغل در مثنوی»
۴۴	۱.۵- دیدگاه مولوی در مورد مشاغل
۴۶	۲.۵- انواع مشاغل ذکر شده در مثنوی:
۶۶	۳.۵- نتیجه‌گیری:
۶۸	فصل ششم: آداب پادشاهی و اصطلاحات مربوط به آن:
۷۳	فصل هفتم: جایگاه و منزلت زن در مثنوی مولوی
۷۳	۱.۷- نوع نگاه به زن در مثنوی
۷۴	۲.۷- لزوم خوش رفتاری با زن
۷۵	۳.۷- حقیقی بودن غلبه زن بر مرد:
۷۵	۴.۷- دلبستگی زن و شوهر به یکدیگر:
۷۵	۵.۷- بسنده کردن به یک زن:
۷۶	۶.۷- لزوم نفقه دادن به زن
۷۶	۷.۷- انواع زن از نظر عاقل دیوانه نمایی که خود را به دیوانگی زده بود:
۷۷	۸.۷- برخی از روحیات زنان که در مثنوی به آن اشاره شده است
۷۹	۹.۷- اختلافات زناشویی و نمونه زنان ناسازگار و فاسد
۸۱	۱۰.۷- نمونه زنان بد کنش و حيله گر در مثنوی
۸۴	۱۱.۷- نتیجه‌گیری:
۸۵	فصل هشتم: سیمای کودک در مثنوی
۸۵	۱.۸- کلیات:
۸۵	۲.۸- ضرورت بازی کودکان
۸۶	۳.۸- انواع بازی‌های کودکان:
۸۸	۴.۸- تربیت کودکان
۸۹	۵.۸- مکتب و کودکان
۹۰	۶.۸- موارد متفرقه

۹۳	۷.۸- نتیجه گیری:
۹۴	فصل نهم: «ورزش‌ها و سرگرمی‌ها در مثنوی»
۹۴	۱.۹- شطرنج
۹۸	۲.۹- بازی نرد:
۹۹	۳.۹- بازی چوگان:
۱۰۰	۴.۹- شکار:
۱۰۱	۵.۹- کشتی گیری:
۱۰۲	۶.۹- انواع بازی‌ها و سرگرمی‌های دیگر
۱۰۴	۷.۹- نتیجه گیری:
۱۰۵	فصل دهم: «مکان، مسکن و انواع خانه در مثنوی»
۱۰۵	۱.۱۰- کلیات
۱۰۵	۲.۱۰- معماری خانه‌ها و قسمت‌های مختلف یک خانه
۱۰۹	۳.۱۰- اماکن عمومی در مثنوی
۱۱۱	فصل یازدهم: «ابزار و وسایل زندگی و ابزار آلات جنگ»
۱۱۱	۱.۱۱- انواع ابزار و وسایل زندگی
۱۱۶	۲.۱۱- ابزار آلات جنگی:
۱۲۰	۳.۱۱- نتیجه گیری
۱۲۱	فصل دوازدهم: «سنگ‌ها در مثنوی»
۱۲۱	۱.۱۲- الماس
۱۲۱	۲.۱۲- توتیا
۱۲۲	۳.۱۲- خر مهره
۱۲۲	۴.۱۲- دُر (مروارید):
۱۲۲	۵.۱۲- رخام
۱۲۲	۶.۱۲- زر
۱۲۳	۷.۱۲- زمرد:
۱۲۳	۸.۱۲- سرمه
۱۲۳	۹.۱۲- شبه
۱۲۴	۱۰.۱۲- عقیق

۱۲۴	۱۱.۱۲- فیروزه
۱۲۴	۱۲.۱۲- لعل
۱۲۵	۱۳.۱۲- کهربا
۱۲۵	۱۴.۱۲- مرجان
۱۲۵	۱۵.۱۲- یاقوت
۱۲۶	۱۶.۱۲- یشم
۱۲۶	فصل سیزدهم: عطریات
۱۲۸	فصل چهاردهم: باورهای مربوط به حیوانات
۱۲۸	۱.۱۴- کلیات
۱۲۹	۲.۱۴- انواع حیواناتی که باورهای عامیانه در مورد آن‌ها وجود داشته است:
۱۳۸	۳.۱۴- نتیجه گیری:
۱۳۹	فصل پانزدهم: «علوم غریبه و موجودات خیالی در مثنوی و باورهای عامه درباره آنها»
۱۳۹	۱.۱۵- کلیات
۱۴۰	۲.۱۵- انواع علوم غریبه
۱۴۰	۱.۲.۱۵- علم رمل
۱۴۱	۲.۲.۱۵- طلسم
۱۴۱	۳.۲.۱۵- افسون
۱۴۲	۴.۲.۱۵- گردنامه (نوعی افسون و طلسم):»
۱۴۲	۵.۲.۱۵- تعویذ
۱۴۲	۶.۲.۱۵- چشم‌بندی
۱۴۳	۷.۲.۱۵- فال زدن
۱۴۳	۸.۲.۱۵- کیمیا
۱۴۴	۹.۲.۱۵- سیمیا
۱۴۴	۱۰.۲.۱۵- جادوگری و سحر
۱۴۶	۳.۱۵- موجودات وهمی
۱۵۰	۴.۱۵- نتیجه گیری:
۱۵۰	فصل شانزدهم: «اصطلاحات پزشکی و باورهای عامیانه‌ی طبی در مثنوی مولوی»
۱۵۱	۱.۱۶- کلیات طب از دیدگاه مولوی:

۱۵۵	۲.۱۶- شیوه درمان بعضی از بیماری‌ها در مثنوی.....
۱۵۸	۳.۱۶- انواع بیماری‌های ذکر شده در مثنوی».....
۱۶۶	۴.۱۶- «داروها و گیاهان طبی».....
۱۷۱	۵.۱۶- نتیجه گیری:.....
۱۷۲	فصل هفدهم: باورها و اعتقادات نجومی در مثنوی
۱۷۲	۱.۱۷- دیدگاه مولوی در مورد نجوم و احکام نجومی:.....
۱۷۳	۲.۱۷- تأثیر افلاک بر زمین:.....
۱۷۴	۳.۱۷- تأثیر فلک و ستارگان در سرنوشت بشر:.....
۱۷۴	۴.۱۷- نر و ماده بودن آسمان و زمین:.....
۱۷۴	۵.۱۷- تأثیر سعادت و نحوست ستارگان در سرنوشت بشر:.....
۱۷۵	۶.۱۷- نقش ستاره ها در تولد کودک:.....
۱۷۵	۷.۱۷- هفت سیاره و باورهای عامیانه درمورد آن‌ها:.....
۱۷۸	۸.۱۷- خسوف و کسوف.....
۱۷۹	۹.۱۷- نتیجه گیری:.....
۱۸۰	فصل هجدهم: «موسیقی در مثنوی»
۱۸۰	۱.۱۸- دیدگاه مولوی در مورد موسیقی:.....
۱۸۱	۲.۱۸- ابزار آلات موسیقی در مثنوی.....
۱۸۶	۳.۱۸- اصطلاحات موسیقی:.....
۱۸۸	۴.۱۸- نتیجه گیری:.....
۱۸۹	فصل نوزدهم: «ضرب‌المثل‌های موجود در مثنوی»
۱۸۹	۱.۱۹- تعریف مثل و جایگاه آن.....
۱۹۰	۲.۱۹- خاستگاه مثل‌ها.....
۱۹۰	۳.۱۹- حیات و ممات مثل‌ها:.....
۱۹۱	۴.۱۹- ضرب المثل‌ها:.....
۱۹۹	۵.۱۹- نتیجه گیری:.....
۲۰۰	فصل بیستم: «اعتقادات و باورهای عامیانه و آداب و رسوم اجتماعی متفرقه»
۲۰۰	۱.۲۰- کلیات.....
۲۰۱	۲.۲۰- اعتقادات و باورهای متفرقه ی عامیانه.....

۲۰۷.....	۳.۲۰- آداب و رسوم و سنن اجتماعی متفرقه.....
۲۱۰.....	۴.۲۰- معاملات:.....
۲۱۱.....	نتیجه گیری نهایی:.....
۲۱۶.....	فهرست منابع.....

مقدمه:

تعریف و تبیین مسأله:

آداب و رسوم جزئی از فرهنگ عامیانه است که شامل باورهای عامیانه و خرافی و مراسم‌های گوناگون مذهبی، ملی، افسانه‌ها، ضرب‌المثلها و دانش‌های عامه و موارد دیگر از این قبیل می‌تواند باشد.

فرهنگ و آداب و رسوم هر ملتی، عواطف و خلیات و به عبارتی هویت انسانی یک فرد را در برمی‌گیرد و ریشه در تاریخ و فرهنگ گذشته‌ی دور یک ملت دارد.

بازتاب فرهنگ عامه در ادبیات: ادبیات هر ملتی بهترین آینه برای تجلی گذشته‌ی یک قوم و نشان دهنده باورها و آداب و رسوم مردمان آن سرزمین می‌باشد؛ در واقع اجتماع، خاستگاه ادبیات است و رابطه ادبیات با جامعه نوعی رابطه علی و معلولی است؛ به همین دلیل مهمترین منبع برای دستیابی به دیدگاه‌ها و آداب و رسوم ایرانیان در خصوص مسائل اجتماع، متون ادبی آن دوره می‌باشد.

متون ادبی هر زمان نمایانگر آداب و رسوم و باورهای غنی مردمان آن سرزمین است. مولوی به سبب ارتباطی که با عامه مردم داشته است مثنوی اش مشحون از فرهنگ و آداب و رسوم زمانه خود است.

آثار مولانا بخصوص مثنوی سرشار از باورهای عامیانه، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و دانش‌های عامه و پدیده‌های خرافی است؛ بررسی این امور می‌تواند جامعه عصر مولانا را به ما بشناساند و فهم ما را از اشعار آسان‌تر کند.

اگر مولوی بدون تمثیل و حکایات و ذکر آداب و رسوم، افکارش را به صورت خشک بیان می‌کرد مثنوی تا این حد جالب به نظر نمی‌رسید همین حکایات است که خواننده را بیشتر به مثنوی ترغیب می‌نماید.

در مثنوی به خاطر اینکه مباحث عرفانی، فلسفی و کلامی در آن موج می‌زند، بیشتر پژوهش‌ها در مورد مثنوی مربوط به این موضوعات است به خاطر همین است که به بعد اجتماعی و جامعه‌شناسی و آداب و رسوم کمتر پرداخته شده است بنابراین تحقیق در این موضوع کنکاش زیادی را می‌طلبد.

سوال های تحقیق:

آداب و رسوم و باورهای عامیانه مورد نظر مولوی در مثنوی کدام است؟
نقد اجتماعی مثنوی از نگرش به آداب و رسوم مذکور در آن چگونه خواهد بود؟
ضرب المثل ها و عبارات مشهور با محوریت آداب و رسوم کدام هستند؟
تا چه میزان معلومات عصر مولوی و نگرش های طبی و نجومی و غیره در این امر تأثیر گذار بوده است؟

فرضیه ها:

احتمالا مولوی در مثنوی تحت تأثیر آداب و رسوم عصر خود بوده است.
از منظر جامعه شناسی می توان آداب و رسوم در مثنوی را تحلیل کرد.
ضرب المثل ها و عباراتی با محوریت آداب و رسوم شکل گرفته است.
احتمالا نگرش های نجومی و طبی و غیره در پدید آمدن برخی آداب و رسوم در مثنوی نقش داشته اند.

هدف ها و کاربرد های موردانتظار از انجام تحقیق:

پی بردن به آداب و رسوم زمانه مولوی و اینکه چه آداب و رسوم عامیانه ای را در اشعارش به کار برده و تا چه حد از آداب و رسوم در مثنوی تأثیر پذیرفته است.
یکی دیگر از اهداف تحقیق روشن شدن مسائل آداب و رسوم قرن هفتم و اینکه این مسائل باعث روشن شدن ابیات مشکل مثنوی و و درک و فهم بیشتر ما از مثنوی می شود.

ضرورت و انجام تحقیق:

از آنجا که مولوی یکی از ارکان اربعه ادبیات محسوب می شود و شناختن وی و مثنوی که یکی از بهترین کتب عرفانی ادبیات می باشد ضرورت دارد این تحقیق نگاشته شود و این تحقیق باعث روشن شدن سیمای جامعه و آداب و رسوم در قرن هفتم می شود.

سابقه و پیشینه تحقیق:

در این موضوع کتاب و پایان نامه جداگانه ای قبل از تصویب موضوع نگارش نشده است ، البته چند مقاله در موضوعات فرهنگ عامه به صورت جزیی هم در مورد مثنوی و هم در مورد شاعران دیگر به آن پرداخته شده است.

یک مقاله ای نیز آقای محمد رضا صرفی در مورد باورهای خرافی در مثنوی نگاشته است.
البته در اواخر تدوین پایان نامه بنده، خانم محبوبه مباحثی در اواخر سال ۸۹ نیز کتابی با عنوان فرهنگ عامه در مثنوی به رشته تحریر در آورده ولی موضوعات را به صورت خام بیان کرده و فارغ از هرگونه تحلیل می باشد.

فصل اول: «کلیات»

برای شناخت مردم هر قوم و قبیله‌ای، باید فرهنگ و باورهای عامه آنها را مورد بررسی قرار داد. مطالعه آداب و رسوم، آیین‌ها، جشن‌های ملی، عقاید، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و کنایات و... ما را با احوال و افکار و ذوق هنر مردم آشنا می‌سازد و در لابه‌لای فرهنگ مردم، به بسیاری از نکات دقیق ادبی، اخلاقی، اجتماعی و انتقادی و دقایق اوضاع زمان و طرز زندگی و عادات و رسوم و نوع اندیشه‌های آنها آگاه می‌شویم.

فرهنگ عامیانه ایرانی نیز متأثر از همین گونه افکار و آثار و الهامات روحی است و از ذوق و اندیشه بی‌سوادترین افراد سرچشمه می‌گیرد.

محققان ابتدا، فرهنگ عامه را شامل ادبیات توده که قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازها، ترانه‌ها، امثال و... را در برمی‌گیرد، می‌دانستند، کم‌کم سنت‌هایی را که به طور شفاهی آموخته می‌شود همانند: (اعتقادات، اوهام و پیشگویی‌های راجع به وقت، نجوم، طب و آنچه دانش توده نامیده می‌شد را به این بحث افزودند) سپس آداب و رسومی را که راجع به هر یک از مراحل زندگی بود، مانند تولد، کودکی، جوانی، زناشویی، پیری، سوگواری، جشن‌ها و نیز عاداتی که مربوط به زندگی عمومی می‌شود، از جمله پیشه‌ها و فنون توده را نیز جزء فرهنگ عامه به شمار آوردند.

فرهنگ عامه در جوامعی وجود دارد که افراد آن جامعه دارای دو گروه و طبقه عوام (بی‌سواد) و خواص (با سواد) باشند. زیرا جامعه‌ای که تمام اعضای آن را افراد تحصیل کرده تشکیل داده باشد، فرهنگ عامه وجود نخواهد داشت.

فرهنگ عامه یا فولکلور در متن زندگی و فرهنگ اقوام و ملتها جریان دارد و به شکل‌های گوناگون خود را نشان می‌دهد. جنبه‌های مهمی از زندگی انسانها به صورت خودآگاه و ناخودآگاه با فرهنگ عامه پیوند دارد. رواج فرهنگ عامه در میان اقوام و ملت‌هایی که از پیشینه

تاریخی طولانی‌تری برخوردارند، به مراتب بیشتر از ملت‌هایی است که سابقه اندک دارند .
پدید آمدن فرهنگ عامه دلایل متعددی دارد: گاه آداب و رسوم اجتماعی مردم و گاه تفسیرهای پیشینیان از وقایع طبیعی یا حوادث زندگی باعث پدید آمدن آنها شده است. براساس بینش امروزی بسیاری از آنچه مربوط به فرهنگ عامه می‌شود ریشه در جهل و نادانی دارد. ما امروزه می‌توانیم به راحتی باورهای پیشینیان خود را ناشی از کج‌اندیشی و تصورات نادرست آنها از وقایع بدانیم با این حال بسیاری از ما ناخودآگاه به باورهای پیشینیان ایمان داریم و بدون اینکه دلیل این ایمان را دریابیم برای عروسی وقت می‌گیریم، برای چشم زخم اسپند می‌سوزانیم، اما دلیل آنها را نمی‌دانیم.^۱

برای فرهنگ عامه می‌توان ویژگی‌های زیر را برشمرد که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- فرهنگ عامه، اعمال و رفتار گروهی از مردم است که در بین عوام رایج است؛ بنابراین رفتار یک فرد را نمی‌توان فرهنگ عامه نامید.
- ۲- رفتارها و عادات فرهنگ عامه در مجموعه فعالیت‌های زندگی اجتماعی مردم بیشترین نقش را دارند.
- ۳- رفتارهای فولکلور به مناسبت و شرایط زمان تکرار می‌شوند و مربوط به دوره خاص نمی‌شود.
- ۴- فرهنگ عامه در جریان انتقال، موافق مقتضیات نسل‌ها، دگرگون می‌شود.

فرهنگ عامه، میراث غیر مادی ملت‌ها:

یکی از ویژگی‌های فرهنگ عامه، تکرار پذیری و قابلیت انتقال آن به نسل‌های آینده است از این رو، فولکلور هر منطقه، مجموعه‌ای از رفتارها، گفتارها، پوشش‌ها، آداب و رسوم است که افراد آن منطقه، آنها را از نیاکان خود به ارث برده‌اند. برخلاف بسیاری که تصور می‌کنند فرهنگ توده مردم تنها مربوط به گذشتگان است، باید گفت که این فرهنگ هر چند میراث پیشینیان است اما در حال حاضر نیز در جوامع امروزی وجود دارد و بخشی از زندگی مردم در مجموع دانسته‌ها و باورهای عامیانه ایست که به آن اعتقاد دارند و سینه به سینه و نسل به نسل از پیشینیان به آنها رسیده است؛ در واقع همین باورهای عامیانه است که به زندگی انسانها معنا می‌دهد؛ همچنین فولکلور هویت تاریخی یک ملت محسوب می‌شود.

^۱ . محمد رضا صرفی، بازتاب باورهای خرافی در مثنوی، دانشکده ادبیات شهید باهنر کرمان، شماره ۱۵ بهار ۸۳، ص ۴

وجود پیشینه کهن و درخشان تاریخی زندگی اقوام و طوایف مختلف در کنار هم و شرایط آب و هوایی باعث شده که کشور ما دارای گنجینه بسیار غنی از آداب و رسوم، لهجه‌ها، قصه‌ها، خرافات، بازی‌ها و غیره باشد.

یکی از مهمترین دلایل غنای گنجینه فرهنگ عامیانه ایران، آمیختن آن با فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی است. ایرانیان تا قبل از ورود اسلام به کشورشان مردمی با تمدن و دارای فرهنگ و آداب و رسوم در بین ممالک بودند. پس از پذیرش اسلام، این آداب و رسوم نه تنها رنگ نباختند بلکه در پرتو این تعالیم، برخی از جشن‌ها همانند عید نوروز رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند.

۱.۱- کارکردهای فرهنگ عامه:

- ایجاد و همبستگی قومی و نژادی و نزدیک نمودن قومیت‌ها به یکدیگر؛
- فرهنگ عامه هر ملتی در حقیقت حافظه تاریخی و سیاسی و اجتماعی ملت است.
- فرهنگ عامه خاستگاه و شالوده الهامات بشری در زمینه ادبیات و هنر است.
- فرهنگ عامه را می‌توان نوعی رابط فرهنگی بین نسل‌های مختلف به حساب آورد.

۲.۱- جایگاه فرهنگ عامه در ادبیات فارسی:

ادبیات هر ملت بهترین آینه برای تجلی گذشته یک قوم و نشان دهنده باورها و آداب و رسوم مردمان آن سرزمین می‌باشد؛ جامعه خاستگاه ادبیات است و رابطه ادبیات با جامعه نوعی رابطه علت و معلولی است مهمترین مآخذ برای دستیابی به دیدگاه‌ها و آداب و رسوم ایرانیان در خصوص مسائل اجتماع، متون ادبی می‌باشد.

متون ادبی هر زمان نمایانگر آداب و رسوم و باورهای غنی مردمان آن سرزمین است. کتاب مثنوی به سبب ارتباطی که با عامه مردم داشته است مشحون از زبان و فرهنگ‌ها و آداب و رسوم زمانه خود است.

اگر مجموعه دانسته‌ها و اندوخته‌های ذهنی و فکری، رفتارها و آداب و رسوم عوام را فرهنگ عامه بدانیم، هنگامی که این دانسته‌ها و داشته‌های ذهنی و فکری، بر روی کاغذ بیایند، در حیطه قلمرو ادبیات عامه قرار می‌گیرند.

۳.۱- فرهنگ عامه و آداب و رسوم در اشعار مولوی:

مولوی با مردم ارتباط تنگاتنگی داشت و در آثارش به زندگی و خلق و خوی آنان می‌پردازد مولوی تمام حالات زندگی مردم را در مثنوی از شیوه امرار و معاش، کسب و رفتار و زندگی و حتی بازی‌ها و شوخی‌ها و پوشاک و مسکن و خوراک و باورهای عامیانه در مورد حیوانات،

علوم غریبه، پزشکی، نجوم و مواردی از این قبیل را به تصویر می‌کشد. زبان شعری مولانا، تمام خصوصیات و تعبیرات زبان مردم را دارد. او مردم را مخاطب قرار داده و پیوسته از تکلف گریزان بوده و هیچ‌گاه از مردم فاصله نگرفته و با بیانی ساده و روشن با مردم سخن می‌گوید.

شعر مولانا از حکایات عامیانه و امثال و حکم مایه می‌گیرد اگر بگوییم که اشعار او با عناصر مردمی درهم آمیخته مبالغه نکرده‌ایم. در اشعار او اعتقادات عوام جایی برای خود دارد پریدن ابرو، حرکت چشم، تپش قلب و... هر یک به معنایی اشاره دارند.^۱

این ویژگی مولانا، یعنی نزدیکی او با مردم عامه سبب شده که وی به زبان عامه سخن بگوید و از لهجه‌های عامیانه در اشعارش استفاده کند و در قصه‌ها و حکایات مثنوی آداب و رسوم و مثل‌هایی را از زندگی عوام بیاورد.

مولوی در مثنوی از اصناف و گروه‌های مختلف مردم سخن به میان آورده و به خصایص و خلق و خویهای مردم زمان خود اشاره کرده و روحیات و درون مردم را همانند یک روانشناس بررسی و کاوش می‌کند.

مولوی با اشاره‌های پراکنده، بسیاری از آداب و رسوم و معتقدات و خرافات مردم را در مثنوی گرانبارش جای داده است. بررسی فرهنگ مردم در مثنوی، این نکته را بر خواننده روشن می‌سازد که پیوستگی بسیار پرمعنایی بین آنچه بشر امروزی به آنها پایبند است با آنچه در مثنوی آمده وجود دارد.^۲

«بهره‌گیری از باورهای خرافی و فرهنگ عامه را می‌توان یکی از ویژگی‌های تفکیک‌ناپذیر دانست؛ مولوی با استفاده از عناصر ملموس و قابل دریافت از زندگی مردم، زمینه‌ای مناسب برای بیان اندیشه‌های عرفانی خود فراهم ساخته است. بررسی باورهای عامیانه و آداب و رسوم و باورهای خرافی در مثنوی از یک سو می‌تواند به روانشناسی قوم ایرانیان کمک کند، از سوی دیگر برخی از نکته‌های مهم اسطوره‌ای و تاریخی این اثر را روشن می‌سازد.»^۳

در واقع آثار مولوی به خصوص مثنوی، حاوی چکیده افکار و آراء و عقاید و فرهنگ ایران، اسلامی است به همین سبب است که هر ملت و هر قوم از ملل و اقوام اسلامی، مولوی را با خود هم زبان و همدل می‌شمارد.

^۱ . عبدالباقی گولپینارلی، مولانا جلال الدین، ص ۴۲۱

^۲ . محمد رضا صرفی، بازتاب باورهای خرافی در مثنوی، ص ۳

^۳ . محبوبه مباشری، فرهنگ اجتماعی عصر مولانا، تهران، سروش، ۱۳۸۹، ص

مولانا، تجارب خاصی از مسائل اجتماعی مردم روزگار خود دارد و آنچه را که در زندگی عمومی مردم می‌دید با دریافتی حکیمانه، در فحوای اشعارش بیان کرده است. مجالست با مردم و بینش عمیق او، امکان شناخت و شناساندن هنرمندانه تجارب زندگی اجتماعی را به وی بخشیده است. اغلب حکایات و تمثیلات و روایات در مثنوی، برگرفته از مشهودات اوست. وی آداب و رسوم و باورهای عامیانه را چنانکه متناسب با روحیه عامه بوده در حکایات خویش مطرح می‌کند.

بسیاری از مسائل مربوط به فرهنگ عامه، حاصل برخورد فرهنگ‌های مختلفی است که اقامت وی در آسیای صغیر، مجال شهود آن را فراهم آورده است، بیان هنرمندانه مولوی درون عامه مردم را چنان بیان می‌کند که نمودار نوعی تفاهم و همدلی بین همگان به شمار می‌آید از این مقوله‌ها می‌توان به بسیاری از مطالبی که در عصر وی به صورت اساطیر و روایات و حکایات که متناسب با احتیاجات روحی مردم است و عامه مردم با آن مانوسند، اشاره کرد. عبدالباقی گولپینارلی در این خصوص می‌گوید: «در اشعار مولانا تمام عادات و عرفها و تعبیرات و وقایع زمان او منعکس شده است. اشراف با تبختر تمام سبیل‌شان را تاب می‌دهند، پادشاهان خراج می‌گیرند، بردگان داغی بر پیشانی دارند... و بازارهای روز، راهزنان، جیب‌بران، نقاشی‌های روی دیوارهای حمام، کودکان ولگردی که دیوانگان را سنگسار می‌کردند یا بر اسبان چوبی خود سوار می‌شدند و در کوچه‌ها می‌تاختند، خانقاه‌های پر از مفسده، بازی گوی و چوگان و کبوتر خانه‌ها و عذب خانه‌ها و خلاصه آنچه در اطراف او و در سرزمین او وجود داشت، همه در اشعار او جان می‌گیرند.»^۱

پس مثنوی همانند آینه‌ای است که وقایع زندگی و صفحات حیات لحظه به لحظه مولانا در آن انعکاس یافته است. به ویژه آنکه وی شاعری است که در میان مردم می‌زید و به زبان مردم می‌سراید، و الهامات شاعرانه او از محیط و اجتماع روزگارش اخذ می‌شود و به خاطر همین است که مردم و محیط اجتماع او بیش‌ترین سهم را در زمینه ابداعات شاعرانه وی دارند. و اغلب حکایات مثنوی، تابلویی زنده از عوالم مربوط به اجتماع و مردم عصرش است. از سوی دیگر مثنوی گنجینه‌ای از ضرب‌المثل‌ها و امثال‌سائر است که بیانگر عقاید و خلیقات و باید و نبایدهای مقبول و معمول مردم یک جامعه و نمودار سلیقه مردم است که می‌تواند تصویرگر و منعکس‌کننده شرایط و مقتضیات اجتماعی و باورهای یک جامعه باشد.^۲

۱. عبدالباقی گولپینارلی، مولانا جلال الدین، ترجمه توفیق سبحانی، ص ۴۲۷.

۲. فرهنگ عامه در مثنوی، ص ۲۵

«مولوی شاعری بود که هرگز از مردم جدا نشد و تمام استعارات خود را از میان مردم می‌گرفت و از این‌روست که در ابداعات او نیروی زاینده حیات نهفته است. زمین، مزرعه، آسیاب، خرمن و مواردی که نمی‌توان آنها را از حیات جدا کرد اصیل‌ترین عناصر شعری مولانا را در بر می‌گیرد.»^۱

۱ . عبدالباقی گولپنیارلی ، مولانا جلال الدین ، ص ۴۲۹ .

فصل دوم

«آداب مجالس عروسی، عزاداری، مهمانی، اعیاد در مثنوی»

۱.۲ - آداب مجالس عروسی و خواستگاری:

آداب و مجالس عروسی از خواستگاری گرفته تا مهریه و جهاز عروس و شب زفاف و ضیافت عروسی در داستانهای مثنوی فراوان به چشم می‌خورد و این نشان می‌دهد که مولوی در میان مردم عامه و مجالس آنان شرکت می‌کرده و با آنان رابطه صمیمانه داشته است.

۱ - دختر را برای خواستگاری دیدن و سوءاستفاده از سنت خواستگاری توسط مادر پسر:

در دفتر چهارم مثنوی، در داستان صوفی که زن خود را با بیگانه گرفت، وقتی که آن زن بدکاره با مرد فاسق در خانه خلوت کرده بود، در آن هنگام شوهرش وقتی به خانه می‌رسد زن چادری بر روی مرد می‌افکند و وانمود می‌کند که زنی از اعیان شهر است که به خواستگاری دخترشان آمده است.

خواست دختر را ببیند زیر دست اتفاقاً دختر اندر مکتب است ۱۹۲/۴
باز گفت: ار آرد باشد یا سپوس می‌کنم او را به جان و دل عروس ۱۹۳/۴

صوفی که اصل قضیه را می‌داند، می‌گوید، ما که در ثروت هم شأن ایشان نیستیم و زن پاسخ می‌دهد که خواستگار در بند جهاز نیست و طالب عفاف است، در این حکایت به آداب و رسوم خواستگاری، هم شأن بودن زوجین و تهیه جهاز از جانب خانواده دختر اشاره شده است.

۲ - اشاره به هم کفوبودن خانواده و عروس و داماد: در حکایت فوق، صوفی به زنش می‌گوید که ما هم مرتبه قوم مال‌دار و محتشم نمی‌باشیم و می‌گوید:

گفت صوفی: ما فقیر و زار و کم قوم خاتون، مال‌دار و مُحتشم ۴/۱۹۵